

Designing a Layered Typology Model of Qur'anic Doubts and Its Application in Tafsīr Tasnīm

Nawal Hazbawi^{*} / Alireza Tabibi^{**} /

Fatemeh Dastranj^{***} / Ali Hassan Beigi^{****}

Recived Date: 2025/11/29

Accepted Date: 2026/02/20

Abstract

In contemporary intellectual discourse, Qur'anic doubts—often formulated in diverse and sometimes complex ways—constitute a significant challenge in Qur'anic studies. One of the major weaknesses in addressing these doubts is the lack of a systematic and layered framework for identifying and classifying them, such that many studies have approached them in a scattered manner without sufficient attention to the referent and level of the doubt. The present study aims to design a coherent model for the typology of Qur'anic doubts based on a layered text-analysis approach, drawing upon Tafsīr Tasnīm by Ayatollah Jawadi Amoli. The research adopts a descriptive-analytical method, and the data were collected through documentary study and by examining cases in which doubts are and addressed in Tafsīr Tasnīm. The findings indicate that Qur'anic doubts can be systematically classified, according to the layer to which they pertain, into three fundamental levels: textual-historical doubts, structural-linguistic doubts, and interpretive-content-based doubts. An examination of cases discussed in Tafsīr Tasnīm shows that this commentary, through its rational, systematic, and text-centered approach, provides an appropriate framework for formulating and applying a multilayered model in the typology of Qur'anic doubts. This model can contribute to improving the methodology of Qur'anic doubt studies.

Keywords: *Qur'anic doubts, layered typology, analytical model, Tafsīr Tasnīm.*

DOI: 10.22034/ssr.2026.574674.1095

^{*} PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Arak University, Arak, Iran (Corresponding Author) (h.naval@ymail.com).

^{**} Professor of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran (tabibi.alireza@ut.ac.ir).

^{***} Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Arak University, Arak, Iran (f-dastranj@araku.ac.ir).

^{****} Professor of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Arak University, Arak, Iran (a-hasanbagi@araku.ac.ir).

تصميم نموذج تصنيفي متعدد المستويات للشكوك القرآنية وتطبيقه في تفسير التسنيم

نوال حزباوی* / علیرضا طبیبی**

فاطمه دسترنج*** / علی حسن بیگی****

القبول: ١٤٤٧/٠٩/٠٢

الإستلام: ١٤٤٧/٠٦/٠٨

الملخص

في البيئة الفكرية المعاصرة، تُعدّ الشكوك القرآنية، بتنوعها وتعقيدها أحياناً، من أهم التحديات في الدراسات القرآنية. ومن أبرز نقاط الضعف في التعامل مع هذه الشكوك غياب إطار منهجي متعدد المستويات لتحديدها وتصنيفها؛ ما أدى إلى تنظيم العديد من الدراسات بشكل متفرق ودون مراعاة موضوع الشك ومستواه. تهدف هذه الدراسة إلى تصميم نموذج متماسك لتصنيف الشكوك القرآنية، استناداً إلى منهج تحليل النصوص متعدد المستويات وبالاعتماد على تفسير التسنيم للآية جوادى العاملى. تعتمد الدراسة على المنهج الوصفى التحليلي، وقد جمعت البيانات من خلال دراسة الوثائق وفحص حالات الشكوك في تفسير التسنيم. استناداً إلى النتائج المتحصّل عليها، يمكن تصنيف الشكوك القرآنية إلى ثلاثة مستويات أساسية وفقاً لطبقتها: الشكوك الوثائقية التاريخية، والشكوك البنيوية اللغوية، والشكوك التفسيرية المضمونية. تُظهر دراسة حالات إثارة الشكوك في تفسير التسنيم أن هذا التفسير، بمنهج العقلاني والمنهجي والموجه نحو النص، يوفر الأساس اللازم لصياغة وتطبيق نموذج متعدد الطبقات في تصنيف الشكوك القرآنية. يمكن لهذا النموذج أن يسهم بفعالية في تحسين منهجية دراسات الشكوك القرآنية.

الكلمات المفتاحية: شبهات قرآنية، تصنيف طبقي، نموذج تحليلي، تفسير تسنيم.

DOI: 10.22034/ssr.2026.574674.1095

* طالبة دكتوراه في علوم القرآن والحديث، كلية اللاهوت، جامعة أراك، أراك، إيران (h.naval@gmail.com).

** أستاذ علوم القرآن والحديث، كلية اللاهوت، جامعة طهران، طهران، إيران (tabibi.alireza@ut.ac.ir).

*** أستاذ مشارك في علوم القرآن والحديث، كلية اللاهوت، جامعة أراك، أراك، إيران (f-dastranj@araku.ac.ir).

**** أستاذ علوم القرآن والحديث، كلية اللاهوت، جامعة أراك، أراك، إيران (a-hasanbagi@araku.ac.ir).

طراحی الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات قرآنی و کاربرد آن در تفسیر تسنیم

نوال حزباوی* / علیرضا طبیبی**

فاطمه دسترنج*** / علی حسن بیگی****

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

چکیده

در فضای فکری معاصر، شبهات قرآنی با صورت‌بندی‌های متنوع و گاه پیچیده، یکی از چالش‌های مهم در مطالعات قرآنی به‌شمار می‌آیند. یکی از ضعف‌های اساسی در مواجهه با این شبهات، فقدان یک چارچوب روشمند و لایه‌مند برای شناسایی و طبقه‌بندی آن‌هاست؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از پژوهش‌ها به‌صورت پراکنده و بدون توجه به متعلق و سطح شبهه سامان یافته‌اند. پژوهش حاضر با هدف طراحی الگویی منسجم برای گونه‌شناسی شبهات قرآنی، بر مبنای رویکرد تحلیل لایه‌ای متن و با تکیه بر تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی آملی انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و بررسی موارد طرح شبهه در تفسیر تسنیم گردآوری شده‌اند. براساس نتایج به‌دست آمده، شبهات قرآنی را می‌توان براساس لایه متعلق آن‌ها در سه سطح بنیادین شبهات سندی-تاریخی، شبهات ساختاری-زبانی و شبهات تفسیری-محتوایی طبقه‌بندی کرد. بررسی موارد طرح شبهه در تفسیر تسنیم نشان می‌دهد که این تفسیر با رویکردی عقلانی، نظام‌مند و متن‌محور، زمینه لازم برای صورت‌بندی و کاربست یک الگوی چندلایه در گونه‌شناسی شبهات قرآنی فراهم می‌سازد. این الگو می‌تواند در بهبود روش‌شناسی مطالعات شبهه‌پژوهی قرآن نقش مؤثری ایفا کند.

واژگان کلیدی: شبهات قرآنی، گونه‌شناسی لایه‌ای، الگوی تحلیلی، تفسیر تسنیم.

DOI: 10.22034/ssr.2026.574674.1095

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اراک، اراک، ایران (h.naval@gmail.com).

** استاد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران (tabibi.alireza@ut.ac.ir).

*** دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اراک، اراک، ایران (f-dastranj@araku.ac.ir).

**** استاد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه اراک، اراک، ایران (a.hasanbagi@araku.ac.ir).

مقدمه

طرح شبهات پیرامون قرآن کریم همواره به عنوان چالشی بنیادین در عرصه تفسیر و اعتقادات مطرح بوده و در عصر حاضر با گسترش رسانه‌ها، این شبهات در قالب‌هایی نو و پیچیده بازتولید شده‌اند. بخشی از این شبهات ناشی از برداشت‌های سطحی و بخشی دیگر نتیجه رویکردهای غیروشمند به متن قرآن است که در صورت فقدان پاسخی منسجم، می‌تواند به تزلزل باورهای دینی بینجامد. یکی از کاستی‌های قابل توجه در پژوهش‌های مرتبط با شبهات قرآنی، فقدان چارچوبی نظام‌مند برای طبقه‌بندی این شبهات براساس «متعلق» آن‌هاست. با وجود تلاش‌های صورت گرفته، بخش قابل توجهی از آثار موجود، بیش از آن‌که بر تحلیل ساختار شبهات متمرکز باشد، رویکردی پاسخ‌محور داشته و غالباً به صورت پراکنده به طرح و بررسی آن‌ها پرداخته است؛ در نتیجه، چارچوبی منسجم برای تحلیل ماهیت شبهات قرآنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از پرسش‌های بنیادین در این زمینه آن است که هر شبهه اساساً به کدام سطح از متن قرآن تعلق دارد. قرآن کریم، به عنوان متن وحیانی، در سطوح گوناگونی همچون سند و تاریخ، ساختار و زبان و تفسیر و محتوا قابل تحلیل است و شبهات نیز به طور منطقی می‌توانند بر یکی از این سطوح وارد شوند.

۱۷۸

شبهات

در این میان، لازم است میان اصطلاح «چندلایگی قرآن» در ادبیات علوم قرآنی - که ناظر به بطون و عمق‌های معنایی است - و مفهوم «لایه» در پژوهش حاضر تمایز نهاد. در این پژوهش، لایه به معنای سطح تحلیلی متن است؛ یعنی سطحی که شبهه متوجه آن می‌شود. توجه به این تمایز، زمینه طراحی الگویی لایه‌محور برای گونه‌شناسی شبهات قرآنی را فراهم می‌سازد؛ الگویی که از تقسیم‌بندی‌های صرفاً موضوعی فاصله گرفته و امکان تفکیک روشمند شبهات و تحلیل منسجم آن‌ها را فراهم آورد.

در میان تفاسیر معاصر، تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی آملی به سبب رویکرد جامع و توجه به ابعاد مختلف آیات، ظرفیت مناسبی برای ارزیابی چنین الگویی دارد. با این حال، در این پژوهش، تفسیر تسنیم منبع استخراج الگو نیست، بلکه میدان ارائه شواهد و آزمون عملی الگوی پیشنهادی به شمار می‌آید. هدف این پژوهش، طراحی الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات قرآنی براساس متعلق شبهه و بررسی قابلیت کاربست آن در تفسیر تسنیم برای سنجش کارآمدی الگوست. اهمیت پژوهش نیز در ارائه چارچوبی روشمند برای طبقه‌بندی شبهات، تفکیک سه‌گانه شبهات سندی-تاریخی، ساختاری-زبانی و تفسیری-محتوایی و فراهم ساختن زمینه تحلیلی منسجم‌تر برای آن‌هاست. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به دو پرسش ذیل است:

۱. شبهات قرآنی براساس متعلق خود چگونه در قالب یک الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای قابل طبقه‌بندی‌اند؟

۲. کاربرست این الگو در تفسیر تسنیم چه نتایجی در ساماندهی و تحلیل شبهات قرآنی به همراه دارد؟

روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی با رویکرد استقرایی است. بدین منظور ابتدا مجموعه‌ای از شبهات قرآنی از تفاسیر، آثار مرتبط با شبهات، نوشته‌های مستشرقان و منابع تاریخی گردآوری شد. سپس هر شبهه از حیث متعلق آن تحلیل و براساس اشتراک در سطح ورود، در قالب گونه‌های اصلی و زیرگونه‌های مرتبط طبقه‌بندی گردید. در ادامه، برای سنجش کارآمدی الگو، نمونه‌هایی از شبهات در تفسیر تسنیم بررسی شد تا میزان تبیین‌گری الگوی پیشنهادی ارزیابی شود.

پیشینه پژوهش و رویکردهای گونه‌بندی شبهات قرآنی

۱۷۹



با توجه به سابقه دیرینه شبهه‌پراکنی درباره قرآن، آثار متعددی در میراث اسلامی پدید آمده که به طرح و بررسی شبهات قرآنی پرداخته‌اند. از جمله آثار کهن در این زمینه نوشته‌های ابن قتیبه است؛ وی در آثاری چون تأویل مشکل القرآن و فصل الحکایه عن الطاعنین با طرح دسته‌هایی از اشکالات درباره اختلاف قرائات، ادعای خطا در قرآن و تعارض میان آیات، به نقد دیدگاه طاعنان پرداخته است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲ م، ص ۲۴). در سنت کلامی شیعه نیز شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در مباحث تفسیری خود - که بعدها با عنوان تفسیر القرآن المجید گردآوری شده - به شبهات گوناگونی در حوزه‌هایی چون امامت، متشابهات، اختیار و شرور پاسخ داده است (ایازی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۱-۲۵۹) و در المسائل السرویه نیز به مسئله تحریف قرآن پرداخته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۸).

در میان متکلمان اهل سنت نیز آثاری با هدف دفاع از قرآن و پاسخ به شبهات نگاشته شده است؛ از جمله ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ ق) در کتاب الانتصار للقرآن با بهره‌گیری از دانش‌های تاریخی، لغوی و کلامی به نقد اشکالات وارد شده بر قرآن پرداخته است (باقلانی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۵۶). قاضی عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۵ ق) نیز در متشابه القرآن و تنزیه القرآن عن المطاعن به بررسی شبهات لفظی، ادبی و معنوی مرتبط با آیات قرآن پرداخته است.

در کنار این آثار برخی دانشمندان در ضمن مباحث دیگر به شبهات قرآنی توجه کرده‌اند؛ برای نمونه قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) در الخرائج و الجرائح فصلی را به مطاعن مخالفان درباره

قرآن اختصاص داده است (راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۱۰۱۰-۱۰۱۸). همچنین زرکشی (م ۷۹۴ ق) در **البرهان فی علوم القرآن** در فصل «معرفة موهم المختلف» به برخی شبهات مربوط به تعارض ظاهری آیات پرداخته است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۶). کتاب **أنموذج جلیل فی أسئله و أجوبه عن غرائب التنزیل** اثر زین الدین رازی (م ۶۶۶ ق) نیز مجموعه‌ای گسترده از پرسش‌ها و اشکالات مرتبط با آیات قرآن را گرد آورده است (زین الدین رازی، ۱۴۱۳ ق، ص ۱). مرور این آثار و دیگر پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد که هرچند هدف اصلی این آثار پاسخ‌گویی به شبهات بوده است، در نحوه سامان‌دهی و تنظیم آن‌ها شیوه‌های متفاوتی به کار رفته است. بررسی این آثار نشان می‌دهد که مهم‌ترین الگوهای سامان‌دهی شبهات قرآنی را می‌توان در چند شیوه کلی دسته‌بندی کرد:

۱. گونه‌بندی موضوعی

در این روش، شبهات براساس موضوعات کلی گردآوری می‌شوند؛ مانند مباحث اعجاز، تاریخ قرآن، قصص یا ناسخ و منسوخ. نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در مباحث زرکشی در **البرهان فی علوم القرآن** مشاهده کرد که در فصل «معرفة موهم المختلف» به شبهات مربوط به تعارض ظاهری آیات پرداخته است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۶). این شیوه گرچه برای گردآوری پاسخ‌ها مفید است، اما به سبب اتکای صرف بر موضوع، غالباً با هم‌پوشانی و پراکندگی دسته‌ها روبه‌روست.

۲. گونه‌بندی مبتنی بر نقد یک اثر

در برخی آثار، ساختار کتاب براساس نقد یک متن یا نویسنده خاص شکل گرفته است. برای نمونه ابن قتیبه در **تأویل مشکل القرآن** به اشکالات طرح شده در آثار مخالفان پاسخ داده و ترتیب مباحث تابع نحوه طرح اشکالات در آن آثار است. در دوره معاصر نیز نمونه‌هایی از نقد دیدگاه‌های مستشرقان یا نویسندگان معاصر درباره تاریخ قرآن با همین شیوه دیده می‌شود. در این آثار، ساختار پاسخ تابع اثر مورد نقد است و گونه‌بندی مستقلی برای شبهات ارائه نمی‌شود.

۳. گونه‌بندی براساس جریان‌های فکری

در برخی پژوهش‌ها معیار دسته‌بندی، هویت طراحان شبهه است؛ مانند شبهات خاورشناسان، اهل کتاب، یا جریان‌های فکری معاصر. برای مثال، آثاری که در قالب مناظره با مسیحیان سامان یافته‌اند، ساختار مباحث خود را براساس اشکالات مطرح شده در این مناظرات تنظیم کرده‌اند؛ از جمله کتاب **اظهار الحق** (دهلوی هندی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۲-۲۷). با وجود مزیت این روش در شناخت جهت‌گیری‌های فکری جریان‌ها، این شیوه نیز نمی‌تواند مبنای گونه‌شناسی جامع

باشد؛ زیرا شبهات یک جریان ممکن است به سطوح مختلف متن قرآن تعلق داشته باشد.

۴. گونه‌بندی محدود به یک حوزه خاص

در برخی پژوهش‌های معاصر، تنها شبهات یک موضوع مشخص بررسی شده است؛ مانند شبهات مربوط به اعجاز قرآن، قصص، ناسخ و منسوخ یا نسبت علم و قرآن. این آثار هرچند در حوزه خود مفیدند، اما به دلیل تمرکز بر یک موضوع خاص، نمی‌توانند چارچوبی جامع برای گونه‌بندی همه شبهات قرآنی فراهم کنند.

۵. گونه‌بندی براساس ترتیب آیات

در برخی تفاسیر و آثار تفسیری، شبهات در ضمن تفسیر آیات و براساس ترتیب مصحف طرح و بررسی می‌شوند. در این روش، هرگاه در تفسیر آیه‌ای شبهه‌ای مطرح باشد، همان‌جا نقل و پاسخ داده می‌شود. گرچه این شیوه برای کار تفسیری کارآمد است، اما مبنای آن ترتیب آیات است نه ماهیت شبهه؛ ازاین‌رو به ارائه یک گونه‌بندی مستقل نمی‌انجامد.

با این توضیح، مهم‌ترین کاستی‌های مشترک شیوه‌های مذکور را می‌توان در سه محور خلاصه

کرد:

۱. پراکندگی معیارها: تقسیم‌بندی‌ها غالباً تابع موضوع کتاب یا نیاز پاسخ‌گویی بوده و بر مبنای یک معیار روش‌شناختی ثابت شکل نگرفته است.

۲. هم‌پوشانی مصادیق: به دلیل فقدان تعریف دقیق از مبنای تقسیم، یک شبهه می‌تواند در چند دسته مختلف قرار گیرد.

۳. فقدان گونه‌بندی شبهات براساس لایه تعلق شبهه: بیشتر گونه‌بندی‌ها براساس موضوع یا هویت طراح شبهه شکل گرفته و کمتر به سطح یا لایه‌ای از متن قرآن که شبهه متوجه آن است توجه کرده‌اند.

با وجود این کاستی‌ها، در برخی از پژوهش‌های معاصر تلاش شده است چارچوب‌هایی برای طبقه‌بندی شبهات قرآنی ارائه شود. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «گونه‌شناسی شبهات در مطالعات قرآنی و تبیین طرحواره شبهه‌پژوهی» (۱۴۰۰) نوشته طیبی و همکاران اشاره کرد که با رویکردی توصیفی-تحلیلی کوشیده است تا شبهات را براساس حوزه‌های موضوعی در شش دسته کلی، مانند شبهات مربوط به مصادر، وحیانیت، استناد به قرآن، فهم قرآن، متن قرآن و آورندگان وحی طبقه‌بندی کند، اما پژوهش حاضر، رویکردی متفاوت را دنبال می‌کند؛ بدین معنا که به جای طبقه‌بندی موضوعی، معیار گونه‌شناسی را لایه تعلق شبهه به متن قرآن قرار می‌دهد. ازاین‌رو با وجود تنوع آثار در حوزه پاسخ به شبهات قرآنی، هنوز چارچوبی منسجم برای

گونه‌شناسی این شبهات براساس لایه تعلق شبهه در فرایند فهم متن قرآن ارائه نشده است. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با اتخاذ رویکردی لایه‌ای، الگویی برای طبقه‌بندی شبهات قرآنی ارائه دهد که بتواند سطوح مختلف شکل‌گیری شبهه در فرایند فهم متن را در سه سطح شبهات سندی-تاریخی، زبانی-ساختاری و تفسیری-محتوایی طراحی کند. کارآمدی این الگو با تحلیل داده‌های مرتبط با شبهات در تفسیر تسنیم بررسی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

واژه «شبهه» از ریشه «شَبَّهَ» گرفته شده و در لغت به معنای همانندی و مشابهت میان دو چیز است؛ به گونه‌ای که تمایز میان آن‌ها دشوار گردد (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۴۰۴). جوهری نیز آن را حالتی می‌داند که در اثر اختلاط و پوشیدگی، تشخیص حق از باطل دشوار می‌شود (جوهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۲۳۶). راغب اصفهانی نیز شبهه را وضعیتی معرفی می‌کند که در آن به سبب نوعی مشابهت، تمیز میان امور با دشواری همراه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۴۳). در اصطلاح شبهه به امری گفته می‌شود که حقیقت آن به سبب شباهت با حق یا آمیختگی حق و باطل روشن نباشد و در نتیجه مخاطب را با تردید و ابهام مواجه سازد (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۹۰). بر این اساس، «شبهه قرآنی» به برداشت یا پرسشی درباره آیات گفته می‌شود که بر اثر مشابهت ظاهری، تعارض‌نمایی یا فهم‌گزینشی، معنای صحیح آیه را مشتبه ساخته و مانع درک درست پیام قرآن شود.

گونه‌شناسی (Typology) روشی برای طبقه‌بندی پدیده‌ها براساس ویژگی‌ها و شباهت‌های مشترک است. این اصطلاح در اصل در مطالعات کتاب مقدس برای شناسایی و تفسیر انواع به کار می‌رفت (Oxford Advanced Learner's Dictionary 8th Ed) و در فارسی با تعبیری مانند «نوع‌شناسی» یا «سنخ‌شناسی» نیز شناخته می‌شود. در این رویکرد، پدیده‌ها براساس شباهت‌های ساختاری یا کارکردی در دسته‌هایی همگن قرار می‌گیرند (بایلی، ص ۴). از این رو گونه‌شناسی در مطالعات شبهه‌پژوهی ابزاری برای سامان‌دهی نظام‌مند شبهات و شناسایی الگوهای مشترک آن‌هاست؛ امری که افزون بر کاهش توهم کثرت شبهات، به فهم دقیق‌تر مسئله و تسهیل بررسی آن کمک می‌کند (حسن‌پور، ۱۳۹۳، ص ۶۵).

تحلیل لایه‌ای (Layered Analysis) رویکردی است که متن را نه یک واحد خطی، بلکه مجموعه‌ای از سطوح معنایی مرتبط می‌داند؛ سطوحی مانند لایه تاریخی، زبانی و محتوایی. براساس این رویکرد، هر شبهه با توجه به «لایه تعلق» آن - یعنی سطحی از متن قرآن که شبهه

متوجه آن است - شناسایی و تحلیل می‌شود؛ بنابراین گونه‌شناسی پیشنهادی این پژوهش بر مبنای موضوع یا منشأ شبهه نیست، بلکه براساس لایه معرفتی متعلق شبهه سامان می‌یابد.

۲. مبانی نظری گونه‌شناسی شبهات قرآنی

گونه‌شناسی شبهات قرآنی در این پژوهش بر این پیش‌فرض استوار است که فهم متن قرآن تنها در سطح الفاظ و عبارات آن محدود نمی‌شود، بلکه در تعامل مجموعه‌ای از سطوح و لایه‌های مختلف شکل می‌گیرد. براساس رویکردهای نوین در مطالعات متنی و هرمنوتیکی، متن عرصه‌ای چندلایه‌ای تلقی می‌شود که عوامل گوناگونی در شکل‌گیری معنا و دلالت آن دخیل‌اند؛ از زمینه‌های تاریخی و فرایند انتقال متن گرفته تا ساختارهای زبانی و ادبی آیات و نیز سطوح تفسیری و دلالت‌های معنایی آن.

در تحلیل قرآن کریم نیز هر یک از این سطوح می‌تواند محل طرح پرسش‌ها یا شکل‌گیری شبهات قرار گیرد. از این‌رو شناسایی سطحی که شبهه متوجه آن است، در فهم دقیق‌تر ماهیت شبهه و نیز انتخاب شیوه مناسب برای پاسخ‌گویی به آن نقش اساسی دارد. بر این اساس مبنای اصلی گونه‌شناسی در این پژوهش تعیین «لایه متعلق شبهه در متن قرآن» است؛ بدین معنا که معیار طبقه‌بندی، سطحی از تعامل با متن قرآن است که شبهه متوجه آن می‌شود. در نتیجه الگوی پیشنهادی می‌کوشد به جای تمرکز صرف بر موضوعات قرآنی، منشأ شکل‌گیری شبهات را در سطوح مختلف مواجهه با متن قرآن شناسایی کند و از این طریق چارچوبی نظام‌مند برای تحلیل شبهات و بررسی شیوه‌های پاسخ‌گویی تفسیری به آن‌ها فراهم آورد.

برای این تلقی لایه‌مند از متن، در سنت تفسیری اسلامی نیز می‌توان شواهدی یافت. آیت‌الله جوادی آملی در تبیین حدیث «إِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وَجْهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ؛ قرآن تحمل معانی گوناگون دارد، تو چیزی از قرآن می‌گویی و آنان چیز دیگر» (نهج‌البلاغه، نامه ۷۷)، بر این نکته تأکید می‌کند که قرآن کریم دارای معارف طولی و عرضی متعددی است و میان مراحل ظاهر و باطن آن پیوندی نظام‌مند برقرار است؛ از همین‌رو، «ذو وجوه» بودن قرآن می‌تواند ناظر به ارتباط و پیوستگی مراتب مختلف معنایی آن باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۱). چنین برداشتی نشان می‌دهد که فهم قرآن در سطوح گوناگونی تحقق می‌یابد و هر یک از این سطوح می‌تواند زمینه‌ساز پرسش‌ها یا طرح شبهه باشد.

در مطالعات مدرن متون و هرمنوتیک نیز متفکرانی چون هانس گئورگ گادامر (Hans-Georg Gadamer)، پل ریکور (Paul Ricoeur) و امیلی بنونیست (Emile Benveniste) بر لزوم

توجه به سطوح مختلف زبان و متن تأکید کرده‌اند. ریکور در نظریه خود، فرایند تفسیر متن را به صورت تدریجی توصیف می‌کند. این فرایند از «تبیین»، یعنی سطحی‌ترین مرحله فهم متن، آغاز می‌شود؛ سپس در میانه قوس، فهم عمیق‌تر شکل می‌گیرد و در مرحله پایانی، «خود اختصاص‌دهی» رخ می‌دهد؛ جایی که خواننده احساس آشنایی و تعلق پیدا می‌کند و متن به امری آشنا و درونی شده تبدیل می‌شود (ریکور، ۱۹۷۶، ص ۷۱-۸۸). در حوزه زبان‌شناسی گفتمان نیز نظریه‌پردازانی مانند ون‌دایک با تأکید بر لایه‌های سطحی و عمقی در متن، درک معنای آن را نیازمند بررسی هم‌زمان ساختار زبانی، زمینه تاریخی و موقعیت ارتباطی می‌دانند (ون‌دایک، ۱۳۸۲، ص ۴۲۸). بر این اساس رویکرد لایه‌لایه‌ای متن یکی از روش‌های نوین در تحلیل متون دینی به‌شمار می‌آید که با تفکیک سطوح مختلف ساختاری و معنایی متن، امکان بررسی دقیق‌تر و نظام‌مندتر آن را فراهم می‌سازد. در تحلیل قرآن کریم این روش به مفسر اجازه می‌دهد تا از سطح ظاهری الفاظ فراتر رود و به ساختارهای درونی و روابط پیچیده میان اجزای متن دست یابد. برپایه این مبانی، شبهات قرآنی را نیز می‌توان براساس «لایه متعلق‌شبهه» تحلیل و دسته‌بندی کرد. در این چارچوب، شبهات در سه سطح کلی قابل شناسایی‌اند که هر یک ناظر به نسبتی خاص با متن قرآن است؛ نسبت با منشأ و تاریخ شکل‌گیری متن، نسبت با ساختار زبانی آن و نسبت با معنا و دلالت آیات. بر این اساس گونه‌شناسی پیشنهادی در سه دسته اصلی سامان می‌یابد:

۱. شبهات سندی-تاریخی: شبهاتی که به زمینه‌های تاریخی نزول قرآن، فرایند جمع و تدوین آن و مسائل مربوط به انتقال و ثبت متن قرآن مربوط می‌شوند.
۲. شبهات ساختاری-زبانی: شبهاتی که متوجه ساختار زبانی و ادبی قرآن‌اند و به ابعاد واژگانی، نحوی، بلاغی و انسجام متن مربوط می‌شوند.
۳. شبهات تفسیری-محتوایی: شبهاتی که به معنای آیات، اعتبار دلالت آن‌ها، امکان فهم متن و روش‌های تفسیر مربوط می‌شوند.

معیار اصلی در این گونه‌شناسی آن است که شبهه دقیقاً متوجه کدام لایه از متن قرآن است؛ به عبارت دیگر لایه‌ای که منشأ اصلی طرح شبهه به‌شمار می‌آید، مبنای طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. در مواردی که شبهه به بیش از یک لایه ارتباط پیدا کند، محوری‌ترین لایه و خاستگاه اصلی شبهه ملاک دسته‌بندی خواهد بود؛ بنابراین گونه‌شناسی سه‌گانه شبهات قرآنی در این پژوهش صرفاً یک تقسیم‌بندی موضوعی نیست، بلکه الگویی مبتنی بر تحلیل لایه‌های متن است که با نظریه‌های نوین زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان نیز هم‌راستا است. این رویکرد امکان تحلیل نظام‌مندتر شبهات قرآنی را فراهم می‌سازد و چارچوبی مفهومی برای بررسی شیوه‌های پاسخ‌گویی به این شبهات ارائه می‌دهد.

۳. گونه‌شناسی شبهات قرآنی

چنان‌که در بخش مبنای نظری بیان شد، گونه‌شناسی شبهات قرآنی در این پژوهش براساس «سطح تعلق شبهه به متن» انجام شده است. در این رویکرد معیار طبقه‌بندی آن است که شبهه متوجه کدام سطح از تعامل با متن قرآن است؛ بنابراین شبهات قرآنی را با توجه به معیار طبقه‌بندی می‌توان در سه لایه کلی ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. شبهات سندی-تاریخی

۲. شبهات ساختاری-زبانی

۳. شبهات تفسیری-محتوایی

شبهات سندی و تاریخی به آن دسته از پرسش‌ها و اشکالاتی مربوط می‌شوند که به پیشینه تاریخی قرآن، فرایند نزول، جمع، تدوین و انتقال متن مربوط است. در این نوع شبهات، متن قرآن نه از حیث الفاظ یا مفاهیم، بلکه در لایه تاریخ شکل‌گیری و انتقال متن قرآن مورد پرسش قرار می‌گیرد.

شبهات ساختاری و زبانی ناظر به ساختار درونی متن، روابط نحوی، واژگانی، بلاغی و انسجام زبانی آیات هستند. در این سطح، پرسش‌ها متوجه خود «نظام زبانی و ساختاری» متن است و مسئله اصلی، انسجام، هماهنگی، یا فهم نحوی و لغوی آیات است.

شبهات تفسیری و محتوایی به «معنا»، «دلاله» و «مقصود آیات» مربوط‌اند. در این دسته، پرسش‌ها معمولاً ناظر به چگونگی فهم، امکان فهم، گستره دلالت و نسبت معنا با سایر معارف دینی است. این گونه از شبهات در عمیق‌ترین لایه متن رخ می‌دهد.

جدول (۱) نمایی کلی از این گونه‌شناسی سه‌لایه‌ای را همراه با مهم‌ترین زیرگونه‌های هر دسته نشان می‌دهد.

جدول ۱. گونه‌شناسی سه‌لایه‌ای شبهات قرآنی براساس سطح متعلق شبهه

ردیف	نام گونه	متعلق شبهه	ویژگی‌های گونه	عمده‌ترین شبهات
۱	شبهات سندی و تاریخی	منشأ و حیانی، کیفیت نزول، جمع و تدوین، کتابت و قرائات و مسئله صیانت از متن و...	تمرکز بر سیر نزول، کتابت، قرائات و تاریخ جمع‌آوری قرآن ناظر به اعتبار تاریخی و وثاقت رسیدن متن کنونی. پیوند وثیق با مطالعات تاریخی صدر اسلام. کمترین ارتباط با معنا و بیشترین ارتباط با اسناد و شواهد تاریخی	شبهه تحریف. شبهه اقتباسی بودن قرآن از کتاب‌های پیشین. شبهه خطا در دریافت و ابلاغ وحی. شبهات مربوط به جمع‌آوری قرآن. شبهه تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه.
۲	شبهات ساختاری و زبانی	قواعد صرفی و نحوی، فصاحت و بلاغت، نظم آبـیات، غریب‌القرآن، و تناسبات لفظی و...	- تمرکز بر نحو، ترکیب جمله، گزاره‌های متوالی و انسجام متن - پرسش درباره معنای واژگان، اشتراک لفظی، تفاوت الفاظ نزدیک. - ناظر به سطح ظاهر متن، اما در تعامل با لایه‌های عمیق‌تر بلاغی. - پیوند با زبان‌شناسی متن و تحلیل گفتمان.	شبهات واژگانی و چالش‌های معنایی. شبهات مربوط به تحلیل ساختار نحوی و صرفی. شبهات مربوط به سبک بیانی و بلاغت. شبهات مربوط به انسجام موضوعی سوره‌ها. شبهات مربوط به اعجاز بیانی.
۳	شبهات تفسیری و محتوایی	تعارضات ظاهری (اختلاف آبـیات)، پارادوکس‌های معرفتی، عدم انطباق با یافته‌های قطعی برون‌متنی (تجربی و عقلی) و ابهام در مراد آیات و...	ناظر به فرایند تفسیر، نه ساختار یا تاریخ متن. تمرکز بر مفاهیم، پیام‌ها، اهداف آیات و نسبت آن‌ها با معرفت دینی پیوند عمیق با روش‌های تفسیری، مبانی معرفت‌شناختی و اصول فهم حضور پررنگ پرسش‌های اعتقادی و کلامی.	شبهات مربوط به روش‌های فهم قرآن. شبهات مربوط به ابهام و چندمعنایی آیات. شبهات مربوط به تعارض قرآن با دانش‌های بشری. شبهات مربوط به فهم و کاربست قرآن در زندگی. شبهات ناظر به موضوعات محوری و بنیادین در قرآن.

گونه‌شناسی سه‌لایه‌ای شبهات در این پژوهش، در عین تمایز منطقی، دارای نوعی پیوستگی عمقی است؛ شبهات سندی و تاریخی به «پیش‌زمینه و پیدایش متن»، شبهات ساختاری و زبانی به «بافت و صورت متن» و شبهات تفسیری و محتوایی به «معنا و غایت متن» مربوط‌اند. عناوین مذکور در ذیل هر دسته از شبهات در جدول (۱)، عناوین کلانی‌اند که هر یک طیفی از صورت‌های جزئی‌تر شبهه را دربرمی‌گیرند؛ از همین‌رو، بسیاری از شبهات مطرح شده در ادبیات نقد قرآن را می‌توان به‌عنوان مصادیق گوناگون ذیل این عناوین جای داد.

با توجه به محدودیت حجم مقاله، در بخش کاربست تنها چند نمونه منتخب از عمده‌ترین شبهات بررسی می‌شود تا نحوه مواجهه تفسیری با آن‌ها در تفسیر تسنیم تحلیل شود. بدین ترتیب گونه‌شناسی سه‌لایه‌ای نه تنها وحدت موضوعی شبهات را حفظ می‌کند، بلکه امکان تحلیل نظام‌مند و غیرهم‌پوشان آن‌ها را فراهم می‌آورد.

۴. کاربست الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات قرآنی در تفسیر تسنیم

پس از تبیین مبانی نظری و ارائه الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات قرآنی، در این بخش کارآمدی الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای در تحلیل شبهات قرآنی در تفسیر تسنیم بررسی می‌شود. بدین منظور، نمونه‌هایی از شبهات مطرح شده در این تفسیر انتخاب و براساس الگوی پیشنهادی طبقه‌بندی می‌گردد. هدف این بخش مقایسه یا ارزیابی محتوای پاسخ‌ها نیست، بلکه نشان دادن امکان طبقه‌بندی این شبهات در چارچوب الگوی لایه‌ای ارائه‌شده در این پژوهش است.

۴-۱. کاربست الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات سندی-تاریخی در تفسیر تسنیم

در الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات قرآنی، شبهات سندی-تاریخی ناظر به لایه منشأ و حیانی و بستر تاریخی شکل‌گیری و انتقال متن قرآن‌اند. در این بخش نحوه مواجهه تفسیر تسنیم با این دسته از شبهات با بررسی دو نمونه از شبهات مطرح در این حوزه تبیین می‌شود.

۴-۱-۱. شبهه تحریف قرآن

تحریف در لغت به معنای مایل کردن، کج نمودن و تغییر دادن است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۳۴۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۱) و در

اصطلاح، تحریف دارای معانی متعددی است؛ از جمله تحریف معنوی که به تفسیر به رأی اطلاق می‌شود (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ص ۱۰۴) و تحریف لفظی که شامل کاستی یا فزونی در الفاظ، حرکات یا اعراب قرآن است (خویی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴؛ معرفت، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۳۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۶۳۰). در میان مسلمانان، اجماع بر نفی تحریف به فزونی وجود دارد و محفوظ ماندن اصل قرآن از تحریف، از مسلمانات تاریخی و مورد اتفاق عموم مسلمانان و حتی بسیاری از پژوهشگران غیرمسلمان است (خویی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۳). آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، با تفکیک میان تحریف عملی (رفتار برخلاف آموزه‌های دینی) و تحریف علمی (شامل تحریف لفظی و معنوی)، نشان می‌دهد که محل نزاع در شبهه تحریف، ناظر به تحریف علمی است، نه تحریف عملی (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۹-۲۳۰). وی این شبهه را ذیل آیاتی چون آیه حفظ (حجر، ۹)، نفی باطل (فصلت، ۴۲-۴۱)، اطفای نور (توبه، ۳۲) و رصد الهی (جن، ۲۶-۲۸) به‌صورت روشمند بررسی کرده است.

برای نمونه برخی همچون محدث نوری با تمسک به آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر، ۹) مدعی شده‌اند که این حفظ، لزوماً شامل مصحف موجود در دست مسلمانان نمی‌شود و ممکن است ناظر به حفظ در علم الهی یا نزد امام معصوم □ باشد (نوری، ۱۴۰۲ ق، ص ۳۶۰). آیت‌الله جوادی آملی در رد این دیدگاه، با استناد به اهداف نزول قرآن و شواهد نقلی، تأکید می‌کند که اگر قرآن موجود ناقص باشد، اعجاز، حجیت و کارکرد هدایتی آن از میان می‌رود (ابراهیم، ۱). افزون بر این روایات عرضه حدیث بر قرآن، خود گواه روشنی بر حجیت و تمامیت قرآن موجود در دست مردم است؛ زیرا در صورت عدم دسترسی به قرآن کامل، این معیار معنای خود را از دست می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۳۹۱؛ برای مطالعه نمونه‌های بیشتر، ر.ک: همان: ج ۱، ص ۹۸؛ ج ۵، ص ۷۴؛ ج ۶، ص ۱۵۰؛ ج ۱۹، ص ۶۲۵؛ ج ۲۱، ص ۱۸۵؛ ج ۴۴، ص ۳۸۰، ۳۹۴-۳۹۰ و ۴۰۹؛ همان، ۱۳۸۸، ص ۲۶-۲۱، ۳۰، ۴۱، ۵۵، ۸۳ و ۹۸).

تحلیل این نمونه نشان می‌دهد که شبهه تحریف از حیث متعلق شبهه، ناظر به اصالت و سلامت متن قرآن در فرایند نقل و حفظ تاریخی آن است؛ ازاین‌رو در الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای در زمره شبهات پیشامتی یا سندی-تاریخی قرار می‌گیرد. در تفسیر تسنیم نیز پاسخ به این شبهه با تکیه بر اثبات حفظ الهی قرآن، تبیین لوازم هدایتی و اعجاز قرآن و استناد به شواهد نقلی و تاریخی سامان یافته است؛ استدلال‌هایی که همگی در سطح اعتبار و تمامیت متن قرآن قرار دارند. این هم‌خوانی میان متعلق شبهه و نوع استدلال‌ها نشان می‌دهد که شبهه تحریف نمونه‌ای از شبهات سندی-تاریخی در تفسیر تسنیم است و نشان می‌دهد که این مورد نمونه‌ای روشن از کاربرست

الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای در تحلیل و سامان‌دهی شبهات قرآنی است؛ به گونه‌ای که تمایز میان سطح تاریخی-سندی، زبانی و تفسیری شبهات را به‌طور عینی نمایان می‌سازد.

۴-۱-۲. شبهه خطا در دریافت و ابلاغ وحی

یکی از شبهاتی که در نقد عصمت پیامبران مطرح شده، امکان خطا در دریافت یا ابلاغ وحی است. برخی متفکران غربی مانند مونتگمری وات با تردید در عصمت پیامبر اسلام ﷺ احتمال خطا در فهم یا انتقال پیام الهی را مطرح کرده‌اند. وی می‌نویسد: «ممکن است کسی در عقاید خود صادق باشد، اما در عین حال دچار اشتباه شود؛ از این‌رو نشان دادن این‌که محمد ﷺ ممکن است خطاهایی داشته باشد چندان دشوار نیست» (مونتگمری وات، ۱۳۴۴، ص ۲۰). آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم این دیدگاه را در چارچوب بحث عصمت پیامبران بررسی کرده و با استناد به آیات قرآن و مبانی کلامی، امکان خطا در تلقی و ابلاغ وحی را رد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۳-۲۸۴؛ ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۱۴؛ ج ۷، ص ۲۹۴؛ ج ۱۴، ص ۲۱۲؛ ۱۳۹۲، ص ۲۰۹، ۲۴۷-۲۵۵). یکی از نمونه‌هایی که به‌عنوان مستند این شبهه مطرح شده، آیه درخواست نشانه از سوی حضرت زکریا علیه السلام است: «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً...» (آل عمران، ۴۱). برخی از ظاهر آیه چنین برداشت کرده‌اند که حضرت زکریا علیه السلام پس از دریافت وعده الهی دچار تردید شده و برای تمایز میان وحی الهی و وسوسه شیطان درخواست نشانه کرده است. علامه طباطبایی دو احتمال را در این باره مطرح می‌کند: نخست آن‌که هدف زکریا علیه السلام تشخیص ملک از شیطان بوده است و دوم آن‌که درخواست او ناظر به تعیین زمان تحقق وعده الهی بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۱۷۹).

آیت‌الله جوادی آملی احتمال نخست را ناسازگار با اصل عصمت پیامبران می‌داند و تصریح می‌کند که شیطان تنها می‌تواند در محدوده بدن پیامبران تصرف کند، نه در حوزه دریافت و ابلاغ وحی. از این‌رو درخواست حضرت زکریا علیه السلام برای دریافت نشانه، به معنای تردید در وحی نبوده، بلکه ناظر به تعیین زمان تحقق وعده الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۳۱۴). نمونه دیگری که در این زمینه مطرح شده، ماجرای موسوم به «افسانه غرانیق» در تفسیر آیات ۵۲ تا ۵۴ سوره حج است. در برخی منابع اهل سنت نقل شده است که هنگام تلاوت آیات سوره نجم، شیطان عبارتی در ستایش بت‌ها بر زبان پیامبر ﷺ جاری ساخت و سپس آیات سوره حج برای اصلاح آن نازل شد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۵۰؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۵۱۶). بیشتر مفسران شیعه این روایت را مردود دانسته‌اند؛ زیرا مستلزم نفوذ شیطان در فرایند تلقی وحی

است. آیت‌الله جوادی آملی نیز با رد این تفسیر تأکید می‌کند که مراد آیه، دخالت شیطان در متن وحی نیست، بلکه شیطان می‌کوشد در تحقق اهداف پیامبران در جامعه اخلاص ایجاد کند و مردم را از پذیرش پیام الهی بازدارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۲۱۲).

تحلیل این نمونه نشان می‌دهد که شبهه خطا در دریافت و ابلاغ وحی، ناظر به اعتبار و صحت فرایند نزول و انتقال وحی است؛ ازاین‌رو در الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای در زمره شبهات سندی-تاریخی قرار می‌گیرد. در تفسیر تسنیم نیز پاسخ به این شبهه با تأکید بر عصمت پیامبران در تلقی و ابلاغ وحی و با استناد به شواهد قرآنی و کلامی ارائه شده است. این امر نشان می‌دهد که مواجهه تفسیری با این شبهه در سطح اعتبار و سلامت منبع وحی قرار دارد و از این جهت نمونه‌ای از کاربرست الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای در تحلیل شبهات قرآنی در تفسیر تسنیم به‌شمار می‌آید.

۲-۴. کاربرست الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات زبانی-ساختاری در تفسیر تسنیم

این دسته از شبهات ناظر به ویژگی‌های زبانی، ادبی و ساختار بیانی قرآن کریم است و پس از پذیرش اصل سندیت و الهی بودن متن مطرح می‌شود. در این بخش نحوه مواجهه تفسیر تسنیم با این نوع شبهات با بررسی سه نمونه از شبهات زبانی و ساختاری تبیین می‌شود.

۱-۲-۴. شبهات واژگانی و چالش‌های معنایی در متن قرآن

این دسته از شبهات ناظر به واژگان دخیل، الفاظ چندمعنایی و واژه‌هایی است که به‌سبب تنوع دلالت‌های معنایی یا پیش‌زمینه‌های فرهنگی و زبانی، زمینه اختلاف در فهم و تفسیر آیات قرآن را فراهم کرده‌اند. چنین مواردی گاه منشأ ابهام یا برداشت‌های متفاوت از متن شده و مباحث گسترده‌ای را در حوزه تفسیر پدید آورده‌اند. مستشرقان و برخی منتقدان معاصر با تکیه بر این ویژگی‌ها، مدعی شده‌اند که قرآن در پاره‌ای از آیات با ابهام معنایی یا ناسازگاری مفهومی روبه‌رو است (نولدکه، بی‌تا، ص ۳۹۲؛ بل، ۱۳۸۳، ص ۳۴۵؛ سها، ۱۳۹۳، ص ۲۲۴؛ سروش، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

در تفسیر تسنیم، این‌گونه شبهات با تکیه بر تحلیل سیاقی و لایه‌ای معنا پاسخ داده می‌شود؛ برای نمونه، واژه «عَرَق» منشأ تعارض ظاهری میان آیات مربوط به غرق شدن فرعون (بقره، ۵۰) و نجات بدن او (یونس، ۹۲) دانسته شده است (گلدزیه‌ر، ۱۴۰۵، ق، ص ۷۰). آیت‌الله جوادی آملی با تفکیک میان هلاکت روحی و بقای جسمانی، این تعارض را برطرف می‌سازد؛ بدین معنا که

غرق شدن ناظر به نابودی روحی فرعون است، در حالی که حفظ بدن او پس از مرگ برای عبرت آیندگان صورت گرفته است. بر این اساس واژه «تُنَجِّیْكَ» در آیه یونس به معنای بیرون کشیدن و نگه داشتن جسد است، نه رهایی از مرگ (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۷، ص ۳۰۴). برای مشاهده نمونه‌های دیگر در همین زمینه رجوع کنید به واژه «ولی» در آیه ۵۵ مائده (همان، ج ۲۳، ص ۱۱۴-۱۱۵)، «مکر» در آیه ۵۴ آل عمران (همان، ج ۱۴، ص ۳۷۷) و «امی» در آیه ۱۵۷ اعراف (همان، ج ۵، ص ۳۰۰).

در تحلیل گونه‌شناختی، خاستگاه این شبهه در لایه ساختاری-زبانی و به‌طور مشخص در زیرلایه واژگانی/معناشناختی قرار می‌گیرد؛ زیرا منشأ آن اختلاف در دلالت واژگان و نحوه فهم معنای آن‌ها در بافت آیه است، نه مسئله‌ای مربوط به تاریخ نقل قرآن یا تعارض در محتوای اعتقادی. در این نمونه، تفسیر تسنیم با بهره‌گیری از تحلیل معناشناختی و توجه به سیاق آیه، دلالت واژه «تُنَجِّیْكَ» را تبیین کرده و از این طریق تعارض ظاهری میان آیات را رفع می‌کند. به این ترتیب پاسخ ارائه شده در همان سطح زبانی و معنایی سامان می‌یابد و نشان می‌دهد که متعلق این شبهه به چگونگی فهم واژگان در ساختار متن باز می‌گردد. وی همچنین تأکید می‌کند که تعدد معانی واژگان در زبان عربی امری طبیعی است و فهم دقیق آن‌ها بدون توجه به سیاق و قرائن لفظی و معنوی ممکن نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۲۹). از این‌رو تفسیرهای مبتنی بر ترجمه‌های سطحی و غفلت از بافت قرآنی، زمینه شکل‌گیری شبهات واژگانی را فراهم می‌سازد.

۴-۲-۲. شبهه انسجام موضوعی و ساختار سوره‌ها

یکی از شبهات مطرح در حوزه ساختاری-زبانی قرآن، مسئله انسجام درونی سوره‌ها و پیوستگی موضوعی آیات است. گروهی از مستشرقان و منتقدان معاصر با سنجش قرآن براساس الگوی عقلانیت خطی و ساختار روایی متون کلاسیک، مدعی شده‌اند که سوره‌های قرآن فاقد وحدت موضوعی، نظم درونی و پیوستگی معنایی‌اند (گلدزیهر، ۱۳۹۸، ص ۲۹؛ نولدکه، بی‌تا، ص ۳۹۵). به باور آنان تنوع موضوعات در یک سوره، گذارهای ظاهراً ناگهانی میان مباحث اعتقادی، تاریخی و احکام و نیز تفاوت سبک میان سوره‌های مکی و مدنی، نشانه‌ای از آشفتگی ساختاری و حتی دلیلی بر بشری بودن نظم قرآن تلقی می‌شود.

منتقدان برای تأیید این ادعا، سوره بقره را نمونه‌ای شاخص معرفی می‌کنند؛ زیرا در این سوره موضوعاتی گوناگون همچون قصص بنی اسرائیل، احکام اجتماعی، قبله، روزه و جهاد در کنار یکدیگر آمده است. از نگاه آنان، به‌ویژه قرار گرفتن آیات مربوط به قصاص، وصیت و روزه (بقره،

۱۷۸-۱۸۳) در کنار یکدیگر فاقد پیوند ساختاری روشن است. در برخی موارد نیز این مسئله در قالب ادعای تعارض معنایی میان آیات طرح می‌شود؛ برای نمونه به آیاتی درباره علم غیب اشاره می‌کنند: از یک سو آیه‌ای علم غیب را منحصرأً از آن خدا می‌داند: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ» (انعام، ۵۹) و از سوی دیگر آیاتی وجود دارد که از آگاهی پیامبران یا اولیای الهی نسبت به برخی امور غیبی سخن می‌گوید: «وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ...» (آل عمران، ۴۹). منتقدان این تفاوت‌ها را نشانه‌ای از ناسازگاری در ساختار معنایی قرآن تلقی می‌کنند.

تفسیر تسنیم با اتخاذ رویکردی سیاق‌محور و غایت‌نگرانه، اساس این شبهه را مردود می‌داند. از نظر آیت‌الله جوادی آملی ساختار قرآن ساختاری چندلایه، هدایت‌محور و مبتنی بر غرض واحد هر سوره است و نمی‌توان آن را با الگوی خطی «مقدمه، بدنه و نتیجه» که در بسیاری از متون بشری دیده می‌شود سنجید (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴). بر این اساس آیات قصاص، وصیت و روزه - با وجود تفاوت موضوعی - در ذیل منظومه‌ای واحد قرار می‌گیرند که هدف آن تربیت جامعه‌ای متقی و عادل است. به باور وی، این احکام هر یک ناظر به تحقق عدالت اجتماعی، پالایش اخلاقی و تقویت روح تقوا در جامعه‌اند؛ از این رو کنار هم قرار گرفتن آن‌ها در یک سیاق، کاملاً هدفمند و معنادار است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۷۸).

در مورد ادعای تعارض در مسئله علم غیب نیز **تفسیر تسنیم** با تحلیل دقیق مفهومی نشان می‌دهد که اساساً تعارضی در کار نیست. آیت‌الله جوادی آملی با تفکیک میان «علم غیب استقلالی» که مختص ذات الهی است و «علم غیب اعطایی یا تبعی» که به اذن خداوند به پیامبران و اولیای الهی افزوده می‌شود، توضیح می‌دهد که این دو دسته آیات ناظر به دو مرتبه متفاوت از علم‌اند؛ بنابراین تفاوت ظاهری آن‌ها نه نشانه ناسازگاری، بلکه بیانگر تنوع مراتب دلالت در متن قرآن است (جوادی آملی، ۱۴۳۷ ق، ج ۳، ص ۴۱۶). از این منظر برداشت تعارض‌آمیز غالباً ناشی از خوانشی سطحی و بی‌توجه به لایه‌های معنایی متن است. تحلیل این نمونه نشان می‌دهد که شبهه انسجام موضوعی سوره‌ها ناظر به ساختار کلان و پیوستگی آیات در سطح سوره است؛ از این رو از نظر گونه‌شناختی در لایه ساختاری-زبانی کلان متن قرار می‌گیرد. در **تفسیر تسنیم** نیز پاسخ به این شبهه از طریق تبیین وحدت غایی سوره‌ها و هدایت‌محور بودن ساختار قرآن ارائه می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که گسست ظاهری آیات حاصل نگاه خطی به متن است، در حالی که انسجام قرآن در سطح غایت تربیتی و ساختار چندلایه وحی قابل کشف است؛ از این رو این نمونه را می‌توان مصداقی از کاربست الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای در تحلیل شبهات قرآنی در **تفسیر تسنیم** دانست.

۴-۲-۳. شبهات مربوط به اعجاز بیانی قرآن

یکی دیگر از شبهات ساختاری-زبانی، شبهات مربوط به «اعجاز بیانی قرآن» است که در زمره شبهات ساختاری-زبانی قرار می‌گیرد. محور این نقدها به چگونگی سامان‌یافتگی بیان و ویژگی‌های زبانی و بلاغی قرآن مربوط است. در اینجا مسئله به صحت صدور متن قرآن یا به محتوای تفسیری آیات مربوط نیست، بلکه به ساختار و نظام بیانی زبان قرآن مربوط می‌شود.

این دسته از شبهات به اصل ادعای اعجاز بیانی قرآن و فراگیری بودن زبان آن می‌پردازد. در این سطح، مسئله درباره واژگان یا ساختار نحوی قرآن نیست، بلکه ناظر به کلیت نظام بیانی آن است؛ یعنی این‌که آیا ترکیب معنا و بیان در قرآن واقعاً از توان بشر بیرون است یا می‌توان آن را در محدوده نبوغ ادبی و تاریخی انسان توضیح داد. منتقدانی چون نصر حامد ابوزید، اعجاز را حاصل نبوغ زبانی پیامبر ﷺ می‌دانند و زبان قرآن را در امتداد توان ادبی عرب تحلیل می‌کنند (ابوزید، ۱۹۹۰). محمد ارکون نیز آن را پدیده‌ای تاریخی و وابسته به باور مخاطب قلمداد می‌نماید (ارکون، ۲۰۰۲). در سطح متکلمان، نظریه صرفه به‌عنوان نمونه شاخص این نوع دیدگاه‌ها مطرح است؛ نظریه‌ای که منشأ اعجاز را نه در ساختار متن، بلکه در منع الهی از معارضه تبیین می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم با رویکردی فلسفی-تفسیری، اعجاز قرآن را ذاتاً برخاسته از ترکیب بی‌نظیر معنا و بیان، انسجام درونی و ژرفای محتوایی متن می‌داند؛ امری که شامل مخاطبان غیرعرب نیز می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۱۸؛ ج ۱، ص ۲۸۸). ایشان در نقد نظریه صرفه، تأکید می‌کند که اعجاز قرآن ناشی از ذات زبان و محدودیت ذاتی بشر در فصاحت و بلاغت است، نه از منع بیرونی الهی (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵-۱۶۶)؛ لذا تفسیر تسنیم اعجاز ذاتی قرآن را به شیوه‌ای عقلانی و روشمند تبیین و تثبیت می‌کند.

خاستگاه این شبهه در لایه پنجم از دسته شبهات ساختاری و زبانی قرار دارد؛ زیرا پرسش درباره منشأ و ماهیت اعجاز است، نه درباره ساختار زبانی جزئی. برخلاف لایه‌های واژگانی، نحوی، بلاغی یا انسجامی - که هر یک ناظر به بخشی از زبان قرآن اند - این لایه کلی‌ترین سطح را دربرمی‌گیرد و به فراگیری بودن مجموع نظام بیانی قرآن مربوط می‌شود. نظریه صرفه دقیقاً در همین سطح مطرح است، چون منشأ اعجاز را از درون متن به عامل بیرونی منتقل می‌کند. تفسیر تسنیم نیز پاسخ خود را در همین لایه سامان می‌دهد؛ با رد نظریه صرفه و تبیین هماهنگی معنا و بیان، نشان می‌دهد که اعجاز قرآن برای نظام زبانی آن، یک امر ذاتی است و از پیوند درونی میان لفظ و معنا و انسجام کلی ساختار بیانی ناشی می‌شود.

۳-۴. کاربست الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات تفسیری و محتوایی در تفسیر تنسیم

در میان سطوح مختلف شبهات قرآنی، بخشی از شبهات ناظر به لایه تفسیری و محتوایی متن قرآن است؛ یعنی پرسش‌ها و اشکالاتی که متعلق آن‌ها معنا، دلالت و محتوای آیات است و غالباً در ارتباط با مفاهیم اعتقادی، اخلاقی یا گزاره‌های قرآنی شکل می‌گیرد. در ادامه، چند نمونه از این شبهات به‌منظور تبیین نحوه کاربست الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای در تحلیل شبهات تفسیری و محتوایی در تفسیر تنسیم بررسی می‌شود.

۳-۴-۱. شبهات مربوط به ابهام و چندمعنایی بودن آیات

در این بخش شبهاتی که به ابهام یا چندمعنایی بودن برخی آیات نسبت داده می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این نوع از شبهات، منتقدان ادعا می‌کنند که برخی آیات قرآن به‌دلیل برخورداری از الفاظ مشترک، تعبیر مجمل یا ظرفیت برداشت‌های متفاوت، از وضوح کافی برخوردار نیستند و همین امر موجب شکل‌گیری برداشت‌های گوناگون از آن‌ها شده است. براساس این دیدگاه، وجود چنین احتمالات معنایی می‌تواند در فرایند فهم پیام قرآن ابهام ایجاد کند و دستیابی به مراد قطعی آیات را دشوار سازد. این مسئله در مطالعات قرآنی غالباً ذیل مباحثی مانند اشتراک لفظی، چندمعنایی، تشابه آیات و اختلاف تفاسیر مطرح می‌شود. برخی منتقدان با استناد به وجود برداشت‌های متفاوت از یک آیه، این امر را نشانه‌ای از عدم صراحت یا روشنی متن دانسته و آن را چالشی برای فهم دقیق مراد آیات معرفی می‌کنند.

براساس الگوی دسته‌بندی شبهات، این مسئله در دسته شبهات تفسیری-محتوایی قرار می‌گیرد؛ زیرا متعلق شبهه مربوط به اصالت متن قرآن و ساختار زبانی آن نیست، بلکه در مرحله فهم و تعیین مراد آیه شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، متعلق این شبهه دلالت معنایی آیات در فرایند تفسیر است؛ یعنی پرسش اصلی آن است که در میان احتمالات معنایی گوناگون، مراد واقعی آیه چگونه قابل تشخیص است.

برای نمونه، تعبیر «حَضَرَ الْمَوْتُ» در آیه ۱۸۰ سوره بقره است که در ارتباط با حکم وصیت بیان شده است. در نگاه نخست ممکن است این پرسش مطرح شود که مقصود از «حضور مرگ» چیست و آیا این تعبیر به لحظه مرگ اشاره دارد یا به زمانی پیش از آن. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر این آیه، با بررسی احتمالات مختلف معنایی، سه احتمال را مطرح می‌کند؛ نخست، احتضار و لحظه نزاع روح؛ دوم، حالات اضطرابی مانند بیماری شدید یا غرق شدن؛ و سوم، دوران

پیری و نزدیک شدن طبیعی به مرگ. ایشان دو احتمال نخست را به دلیل ناسازگاری با اختیار انسان و حکمت تشریع وصیت مردود می‌داند و احتمال سوم را با توجه به سیاق آیه، مبانی عقلانی و شواهد روایی تقویت می‌کند؛ از این رو مقصود از «حضور مرگ» را زمانی می‌داند که انسان در دوران پیری و در حالت آگاهی و اختیار، خود را برای مرگ آماده می‌بیند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۹۷).

نمونه دیگر از این دسته شبهات، آیه «فَإَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره، ۱۱۵) است که در نگاه ظاهری ممکن است چنین تصور شود که برای خداوند «وجه» به معنای جسمانی اثبات شده است. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر این آیه با تکیه بر مبانی عقلی و تفسیری بیان می‌کند که مقصود از «وجه‌الله» در اینجا چهره جسمانی نیست، بلکه کنایه از حضور و احاطه وجودی خداوند در همه جهات است؛ زیرا خداوند متعال خالق مکان و جهت است و از هرگونه محدودیت مکانی و جسمانی منزّه است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۲۸۸).

در این نمونه‌ها، آیت‌الله جوادی آملی ابهام‌های احتمالی آیات را از طریق به‌کارگیری مجموعه‌ای هماهنگ از ابزارهای تفسیری همچون تحلیل لغوی، توجه به سیاق آیات، تفسیر قرآن به قرآن، بهره‌گیری از روایات معصومان (علیهم‌السلام) و استدلال‌های عقلی رفع می‌کند. بدین ترتیب، احتمالات معنایی موجود در متن آیه به صورت نظام‌مند بررسی و ارزیابی شده و در نهایت معنای مراد براساس قرائن معتبر تعیین می‌شود.

۴-۳-۲. شبهات مربوط به تعارض قرآن با دانش‌های بشری

یکی دیگر از شبهات مهم تفسیری-محتوایی قرآن، ادعای ناسازگاری برخی گزاره‌های قرآنی با یافته‌های علمی است. در این شبهات، منتقدان می‌کوشند برخی مفاهیم قرآنی را با نظریه‌های علمی مقایسه کنند و در صورت مشاهده تفاوت، آن را نشانه خطا یا تأثر قرآن از دانش‌های رایج عصر نزول بدانند. از نمونه‌های مشهور در این زمینه، مسئله «هفت آسمان» است. برخی مفسران و منتقدان کوشیده‌اند این تعبیر قرآنی را با نظریه افلاک بطلیمیوسی یا با ساختار منظومه شمسی در نجوم جدید تطبیق دهند و از این طریق آن را وابسته به مدل‌های کیهان‌شناختی تاریخی معرفی کنند (طنطاوی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱، ص ۴۹-۵۱؛ شهرستانی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۷-۱۷۹). براساس این دیدگاه چون بسیاری از این مدل‌های نجومی در علم جدید ابطال شده‌اند، توصیف قرآنی نیز ناسازگار با علم جدید تلقی می‌شود.

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم این برداشت را ناشی از روش نادرست در فهم آیات

می‌داند. به نظر وی، قرآن در بیان «هفت آسمان» به هیچ نظریه نجومی خاصی تکیه نکرده و مفاهیم قرآنی را نمی‌توان بر مدل‌های علمی متغیر تطبیق داد. وی با استناد به آیات دیگر قرآن، از جمله آیه «رَبَّنَا السَّمَاءُ الدُّنْيَا بِرِیْنَةِ الْكُوكَبِ» (صافات، ۶)، نشان می‌دهد که قرآن همه ستارگان را در «آسمان دنیا» قرار می‌دهد؛ امری که با ساختار افلاک بطلیموسی یا مدارهای سیارات در نجوم کلاسیک قابل انطباق نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۹، ص ۱۱۱-۱۱۰). ازاین‌رو، تعارض ادعا شده در واقع حاصل تطبیق نادرست آیات بر نظریه‌های علمی موقت است، نه تعارض واقعی میان قرآن و علم.

طبق الگوی گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات قرآنی، این نمونه در دسته شبهات تفسیری-محتوایی قرار می‌گیرد؛ زیرا مسئله اصلی آن به معنای آیات و نسبت مفاد آن با دانش‌های بیرونی مربوط است و شبهه از مقایسه مفهوم «هفت آسمان» با نظریه‌های کیهان‌شناسی علمی پدید می‌آید. در مقابل، کاریست الگوی تفسیری در تفسیر تسنیم نشان می‌دهد که پاسخ مفسر از طریق انتقال مسئله به لایه‌های دیگر متن قرآن صورت می‌گیرد. آیت الله جوادی آملی با تشخیص درست متعلق شبهه با تبیین مبنای معرفت‌شناختی، از تطبیق مفاهیم قرآنی بر نظریه‌های علمی متغیر پرهیز می‌دهد و سپس با روش تفسیر قرآن به قرآن، معنای آیات مربوط به آسمان‌ها را با استناد به آیات دیگر قرآن توضیح می‌دهد؛ از جمله آیه «رَبَّنَا السَّمَاءُ الدُّنْيَا بِرِیْنَةِ الْكُوكَبِ». بدین ترتیب پاسخ به شبهه از طریق بازخوانی درون‌متنی آیات و تبیین عقلی رابطه علم و وحی صورت می‌گیرد. این نمونه نشان می‌دهد که در چارچوب الگوی لایه‌ای، شبهه در یک لایه (مقایسه علمی) شکل می‌گیرد، اما در تفسیر تسنیم با ترکیبی از لایه درون‌متنی قرآن و تحلیل عقلی-معرفت‌شناختی پاسخ داده می‌شود. ازاین‌رو، این مورد نمونه‌ای از کاریست عملی الگوی لایه‌ای در تحلیل مواجهه تفسیری تسنیم با شبهات قرآنی به‌شمار می‌آید.

۳-۳-۴. شبهات ناظر به موضوعات محوری و بنیادین قرآن

یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های شبهات تفسیری قرآن، شبهاتی است که متوجه آموزه‌های بنیادین و محوری معارف قرآنی مانند توحید، نبوت، معاد، قصص انبیا، احکام و نظام‌های اجتماعی است. در این دسته، مسئله اصلی نه ساختار زبانی آیات و نه گزارش‌های تاریخی متن، بلکه محتوای اعتقادی و معرفتی آموزه‌های قرآن است و شبهه‌افکنان با طرح پرسش‌هایی درباره سازگاری این آموزه‌ها با عقل یا تجربه بشری، در پی تضعیف اعتبار معرفتی آن‌ها هستند. ازاین‌رو پاسخ به این نوع شبهات معمولاً با تحلیل محتوایی آیات، توجه به سیاق و قرائن درون‌متنی و بهره‌گیری از مبانی

عقلی و کلامی صورت می‌گیرد.

برای نشان دادن کاربست این لایه از الگوی گونه‌شناسی در تفسیر تسنیم، دو نمونه از این نوع شبهات بررسی می‌شود. یکی از آن‌ها شبهه رؤیت خداوند است. برخی با استناد به ظاهر آیه «وَجُودُ يَوْمِنَا نَاضِرَةٌ* إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت، ۲۲-۲۳) آن را دلیلی بر امکان رؤیت حسی خداوند در قیامت دانسته‌اند (معرفت، ۱۳۹۶، ص ۳۲۹؛ قدردان قوام‌لکی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۹-۳۳۰). آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم با بررسی کاربردهای قرآنی واژه «نظر» توضیح می‌دهد که این واژه همواره به معنای دیدن با چشم نیست و گاه به معنای انتظار یا توجه به کار می‌رود؛ چنان‌که در آیه «فَنَاطِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُسْلِمُونَ» (نمل، ۳۵) نیز چنین کاربردی دارد (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۸۱۴). از این رو آیه یاد شده ناظر به امید و توجه مؤمنان به رحمت الهی است، نه رؤیت حسی خداوند.

نمونه دیگر شبهه شفاعت است. برخی جریان‌های سلفی و وهابی با استناد به آیاتی مانند «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن، ۱۸)، طلب شفاعت از پیامبر یا اولیای الهی را مصداق شرک دانسته‌اند (ابوزهره، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۶). آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم با تحلیل عقلی و کلامی نشان می‌دهد که شفاعت به معنای تأثیر مستقل شفیع نیست، بلکه در چارچوب اراده و اذن الهی تحقق می‌یابد؛ از این رو با توحید منافاتی ندارد و در حقیقت به نوعی درخواست دعا و وساطت در پیشگاه خداوند باز می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۳۷۳).

متعلق هر دو شبهه یاد شده - رؤیت خداوند و شفاعت - برداشت از مفاد اعتقادی آیات مربوط به صفات الهی و نظام شفاعت است و به ساختار زبانی یا گزارش‌های تاریخی متن ارتباطی ندارد؛ از این رو در زمره شبهات ناظر به موضوعات بنیادین قرآن در لایه سوم الگوی گونه‌شناسی قرار می‌گیرند و بررسی آن‌ها در تفسیر تسنیم کارایی این الگو را در تحلیل نظام‌مند شبهات محتوایی قرآن نشان می‌دهد.

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی روشمند برای تحلیل و سامان‌دهی شبهات قرآنی، با تکیه بر رویکرد «گونه‌شناسی لایه‌ای متن» و با محوریت تفسیر تسنیم نشان داد که بخشی از ابهام‌ها و اختلاف در مواجهه با شبهات قرآن کریم می‌تواند ناشی از عدم تشخیص دقیق لایه‌ای باشد که شبهه ناظر به آن است؛ زیرا خلط سطوح متفاوت نقد، موجب مواجهه‌های یکسان با شبهات ناهمگون و در نتیجه، تشدید ابهام‌ها و سوءفهم‌های تفسیری شده می‌انجامد. برپایه یافته‌های

پژوهش، شبهات قرآنی را می‌توان به‌صورت نظام‌مند در سه لایه «سندی و تاریخی»، «ساختاری و زبانی» و «تفسیری و محتوایی» طبقه‌بندی کرد. این گونه‌شناسی برخلاف تقسیم‌بندی‌های صرفاً موضوع‌محور یا منشأ‌محور، ناظر به متعلق واقعی شبهه است و امکان تشخیص دقیق سطح نزاع و تحلیل روشمند شبهه را فراهم می‌سازد. بررسی نمونه‌هایی از تفسیر تسنیم نشان داد که نحوه مواجهه با شبهات در این تفسیر با سطوح مختلف شبهه قابل انطباق است و می‌توان آن را در چارچوب الگوی پیشنهادی تحلیل کرد. بدین ترتیب، تفسیر تسنیم بستری مناسب برای مشاهده عملی این سطوح در مواجهه با شبهات فراهم می‌آورد. نوآوری اصلی پژوهش حاضر در ارائه و صورت‌بندی یک الگوی تحلیلی برای گونه‌شناسی لایه‌ای شبهات قرآنی است که می‌تواند فراتر از یک ایده نظری، به‌عنوان ابزاری روشمند در تحلیل و طبقه‌بندی شبهات مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه رویکرد گونه‌شناسی لایه‌ای، ضمن افزایش دقت و شفافیت تحلیلی در مطالعات قرآنی، زمینه گفت‌وگویی عقلانی‌تر و روشمندتر با منتقدان قرآن را فراهم می‌سازد و از خلط سطوح مختلف نقد و تفسیر جلوگیری می‌نماید. ادامه پژوهش در این مسیر، به‌ویژه با تطبیق این الگو بر دیگر تفاسیر معاصر یا گسترش آن در مطالعات میان‌رشته‌ای، می‌تواند به تعمیق روش‌شناسی شبهه‌پژوهی قرآنی و ارتقای سطح مطالعات قرآن‌پژوهی معاصر بینجامد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۲. آرکون، محمد، فکر الاسلامی، قرائه علمیه، ترجمه هاشم صالح، چ ۲، بیروت: مرکز الثقافه العربی، ۱۹۹۶م.
۳. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، محقق و مصحح مجتبی عراقی، چ ۱، قم: دارالسید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، چ ۱، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن عربی، محیی الدین، فصوص الحکم، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، محقق هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
۷. ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، چ ۲، قاهره: الهیئة المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۲م.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۹. ابوزهره، محمد، تاریخ الجدل، مصر: دارالفکر العربی، ۱۴۲۴ق.
۱۰. ابوزید، نصر حامد، نقد الخطاب الدینی، چ ۲، قاهره: نشر سینا، ۱۹۹۰م.
۱۱. ایازی، سید محمد علی، (۱۳۷۱)، «تفسیر القرآن الکریم المستخرج من تراث الشیخ المفید»، حوزة، ۱۳۷۱، دوره ۹، شماره ۵۴، ص ۲۵۲-۲۴۷.
۱۲. باقلانی، قاضی ابو بکر، الانتصار للقرآن، تحقیق محمد عصام القضاة، چ ۱، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بل، ریچارد، درآمدی بر قرآن، ترجمه بهاء الدین خرماشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۴. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۶. بلاغی، عبدالحجّه، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، چ ۱، قم: وجدانی، ۱۴۰۵ق.
۱۷. جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۳۹۲.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ۸۰ ج، قم: اسراء، ۱۳۸۸.

۱۹. جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، چ ۴، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، چ ۵، قم: اسراء، ۱۳۸۸.
۲۱. جوهری، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، محقق احمد عبدالغفور، چ ۵، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۳. حسن پور، آرش، ربانی، علی، «نقد مطالعات گونه‌شناسی دینداری و ارائه چارچوبی نو»، راهبرد فرهنگ، ۱۳۹۳، (۲۸).
۲۴. حلی، حسن بن یوسف، اجوبة المسائل المهنائیه، چ ۱، قم: خیام، ۱۳۸۲.
۲۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چ ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۳.
۲۶. خونی، سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، مترجم هاشم‌زاده هریسی؛ نجمی، چ ۱، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۸۴.
۲۷. درویش، محیی‌الدین بن احمد مصطفی، اعراب القرآن و بیانه، چ ۴، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۵ق.
۲۸. دهلوی هندی، محمدرحمت‌الله، إظهار الحق، درسه و تحقیق و تعلیق ملک‌اوی، چ ۱، سعودیه: الرئاسة العامه لإدارات البحوث العلمیه والإفتاء والدعوة والإرشاد، ۱۴۱۰ق.
۲۹. دب‌البغا، مصطفی، الواضح فی علوم القرآن، چ ۲، دمشق: دارالکلم الطیب، ۱۴۱۸ق.
۳۰. رازی، زین‌الدین، أنموذج جلیل فی أسئلہ و أجوبه عن غرائب التنزیل، تحقیق عبدالرحمن بن ابراهیم المطرودی، ریاض: دار عالم‌الکتب، ۱۴۱۳ق.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳۲. راوندی، قطب‌الدین ابوالحسین سعید بن هبة‌الله، الخرائج والجرائح، التحقيق مؤسسه الامام المهدي (عليه السلام)، چ ۱، قم: المطبعة العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۳۳. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، چ ۳، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
۳۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پاسخ به شبهات قرآن، چ ۱، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴.
۳۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵.
۳۶. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، چ ۱، مصر: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶.
۳۷. زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن، چ ۸، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۰.
۳۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۸۹.
۳۹. سبحانی، جعفر، تفسیر و مفسران، قم: مؤسسه امام صادق (عليه السلام)، ۱۳۹۰.
۴۰. سروش، عبدالکریم، قبض و بسط تنوریک شریعت، چ ۳، تهران: صراط، ۱۳۸۲.
۴۱. سها، نقد قرآن، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۹۳.

۴۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و النحل، تحقیق محمد بدران، چ ۳، قم: الشریف الراضی، ۱۳۹۴.

۴۳. شیخ مفید، محمد بن محمد، المسائل السرویه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

۴۴. صغیر، محمد حسین علی، المستشرقون و الدراسات القرآنیه، چ ۱، بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ق.

۴۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰.

۴۶. طیبی، علیرضا؛ حسن بگی، علی؛ دسترنج، فاطمه؛ وطن خواه، وحید، «گونه شناسی شبهات در مطالعات قرآنی و تبیین طر حواره شبهه پژوهی»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱۴۰۰، ۱۴ (۲۹)، ص ۱۹۹-۲۳۵.

۴۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۴۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، چ ۱، تهران: گلی، ۱۳۸۹.

۴۹. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.

۵۱. قدردان قراملکی، محمد حسن، پاسخ به شبهات کلامی دفتر اول خداشناسی، چ ۴، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.

۵۲. گلدزیه، ایگناس، العقیده و الشریعه فی الاسلام، ترجمه محمد یوسف موسی، قاهره: المركز القومي للترجمه، ۱۳۹۸.

۵۳. گلدزیه، ایگناس، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالحلیم نجار، مصر: مکتبه الخاجی-بغداد: مکتبه المثنی، ۱۴۰۵ق.

۵۴. معرفت، محمد هادی، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۹۶.

۵۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ ۶، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۵۶. مصباح یزدی، محمد تقی، پاسخ به شبهات دینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۷.

۵۷. نوری، میرزا حسین، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، چ ۹، لبنان: مرکز الدراسات الفکریه، ۱۴۰۲ق.

۵۸. نولدکه، تیودور، تاریخ القرآن، تعدیل فردریش شفالی، چ ۱، بیروت: مؤسسه کونراد آনার، بی تا.

۵۹. وات، ویلیام مونتگمری، محمد فی المکه، ترجمه عبدالرحمن عبدالله عیسی، قاهره: هیئة المصریه العامه، ۱۹۸۵م.

۶۰. ون دایک، تنون آندریانوس، مطالعات گفتمان: درآمدی میان رشته ای، ترجمه حسین پابنده، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.



61. Ricoeur, P. (1976). Interpretation theory: Discourse and the surplus of meaning. Fort Worth, TX: Texas Christian University Press.
62. Oxford Advanced Learners Dictionary 8th Ed, Kindle Location.
63. Kenneth.D Bailey, "Typologies And Taxonomjes An Introduction to Classification Techniques", 1994, Sage Publication, p4.